

فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

علمی - پژوهشی

سال دهم - شماره یکم - بهار ۱۳۹۶ - شماره پیاپی ۳۵

بررسی اشعار طنز میرزاده عشقی با رویکرد سبک‌شناسی

(ص ۱۵۲-۱۳۳)

مهسا ساکنیان دهکردی (نویسنده مسئول)^۱، مرتضی رشیدی آشجردی^۲، محبوبه خراسانی^۳

تاریخ دریافت مقاله: بهار ۱۳۹۵

تاریخ پذیرش قطعی مقاله: بهار ۱۳۹۶

چکیده

«میرزاده عشقی» یکی از شعرای مشهور دوره مشروطه است که به شعر طنز توجهی خاص داشته و از زمره شاعرانی به شمار میرود که شعر طنز او به دلیل سادگی و روانی مورد وثوق و استقبال مردم عصر مشروطه قرار گرفته است. در پاسخ به این سؤال که «میرزاده عشقی» در اشعار طنز خود به چه مضامینی رویکرد بیشتری داشته و شاخصهای سبکی آن کدامند؟ اینگونه مشاهده گردید که اشعار طنز او در قالبهای مختلف سروده شده، که بیشتر آنها در مثنوی و مسمط ترجیعی است. وی در زمینه‌های مختلف اجتماعی، اخلاقی، تعلیمی، تفسیری و سیاسی انتقادی و یا تلفیقی از آنها، اشعار طنز سروده است. از دیدگاه سبک‌شناسی طنز، شاخصهای «کنایه»، «طعنه»، «تمسخر»، «افشاگری»، «مجاز» و «استعاره» از خصوصیات اشعار طنز عشقی به شمار میروند. از شاخصهای ناهماهنگی و ناسازگاری مولد طنز، وی در اشعار خود از «درآمیختن دو زبان مختلف» استفاده نموده و از شاخصهای «نقیضه» و «بازی آوایی» استفاده کمتری کرده است، گرچه در سرودن اشعار طنز «مراعات ادب» را داشته، با این وجود در اشعار هزل و هجو توجهی به این امر نداشته است.

کلمات کلیدی: عشقی، طنز مشروطه، سبک‌شناسی، شعر طنز.

^۱ دانشجوی دکتری، گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران.
m_saken30@yahoo.com

^۲ استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران.
mortezarashidi51@yahoo.com

^۳ استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران.
najafdan@gmail.com

مقدمه

شعر طنز در دوره مشروطه برجسته‌تر از زمان قبل از خود دستخوش تحول بوده و توجه به آثار منظوم طنز شاعران این دوره، دارای اهمیت ویژه‌ای است؛ و این ناشی از تأثیر دوره‌های مختلف تاریخی و اجتماعی است که خواسته یا ناخواسته به ارائه سبک‌های مختلفی در ادبیات انجامیده است. تحول شعر طنز دوره مشروطیت گرچه از جنبه‌های مختلف قابل بررسی است؛ اما یکی از راهکارهای مهم و قابل استناد این تحول ادبی، بررسی این نوع شعر به طریقه سبک‌شناسی است. ملک‌الشعراى بهار عقیده دارد: «سبک به یک اثر ادبی وجهه خاص خود را از لحاظ صورت و معنی القا میکند و آن نیز به نوبه خویش وابسته به طرز تفکر گوینده یا نویسنده درباره حقیقت می‌باشد» (سبک‌شناسی، بهار، ج ۱: ص ۱۶).

«سبک‌شناسی، کاربرد خلاقانه زبان است و شیوه‌ای است که در یک بافت معین به وسیله شخص معین و برای هدفی معین به کار برده میشود» (سبک‌شناسی نظریه‌ها، رویکردها و روشها، فتوحی: ص ۳۴). با بررسی ادبیات طنز دوره مشروطه، به خصوص شعر طنز، نمیتوان به سادگی از کنار شعر طنز عشقی گذشت. در لابلای اشعار ضبط شده در کلیات عشقی به اشعار طنزی بر میخوریم که با صراحت گفتاری که در آنها وجود دارد، در نوع خود قابل توجه است. پاسخ به این سؤال که «میرزاده عشقی» به عنوان یکی از شعراى مشهور دوره مشروطه، در اشعار طنز خود به چه مضامینی توجه بیشتری داشته و شاخصهای سبکی آن کدامند؟ هدف اصلی این مقاله است.

عشقی و ادبیات مشروطه

میرزاده عشقی به عنوان یکی از شاعران دوره مشروطه که شهرت وی برخاسته از اشعار پر شور سیاسی و انقلابی وی می‌باشد، به طوریکه «از هر کس بپرسید که چند نفر شاعر فداکار، جانباز، آزاده، بیباک و عاشق سعادت ایران را نام ببرد قطعاً نام عشقی را هم میشنوید» (کلیات مصور میرزاده عشقی، مشیرسلیمی: ص ۴۶).

ایجاد باور و شهرتی که عشقی در اذهان مردم روزگار خود به وجود آورده بود باعث شد که مورد پذیرش و هر از چند گاه تشویق مردم قرار گیرد و همین مسأله در بی‌پروایی و صراحت لهجه او بی‌تأثیر نباشد و سرانجام قربانی همین طرز تفکر گردید. به گفته سعید نفیسی: «درباره خداوندان هنر بهتر است که کلمه «جاه‌طلبی» را به کار ببریم، زیرا که متأسفانه هنوز جاه و جلال در این کار نیست و اگر هم در جایی باشد، در کشور ما کمتر از همه جاست. به همین جهت من نمیگویم که عشقی جاه‌طلب بود... اما گاهی برخی از هنرمندان تازه‌کار و نازآمده از این ستایشها چیره میشوند و این چیرگی به زبان ایشان تمام میشود. عشقی همین ضرر را برد. شهرتی که در آغاز جوانی نصیب وی شد، او را تا اندازه‌ای مست کرد و مغرور کرد و به همین جهت، در همان پایه اول و روز نخستین ماند؛ نکوشید بر معلومات خود بیفزاید و اندوخته ادبی خود را بیشتر کند» (جامعه، فرهنگ و سیاست در اشعار و مقالات سه شاعر انقلابی، علی‌بابایی: ص ۲۵۱).

هزل، هجو و طنز عشقی

شوخیهای زبانی با عناوین مختلفی مانند: هزل، هجو و طنز رده‌بندی میشوند. رویا صدر عقیده دارد: «برخی از محققین شوخ‌طبعی را به گونه‌های: بذله یا لطیفه، هزل، فکاهه، هجو و طنز تقسیم‌بندی نموده‌اند.» (بیست سال با طنز، صدر: ص ۲). شاخصه قابل توجه هزل و هجو، بیان زشتیها و پلیدیهاست؛ اما یک تفاوت عمده بین این دو وجود دارد: «هزل، زشتیها و پلیدیهای عام را بیان میکند بی‌آنکه فرد یا گروه خاصی را هدف قرار دهد؛ درحالی که هجو، زشتیها و کاستیها را در شخص یا گروه مشخصی بازگو میکند و به همین دلیل است که هجو، ناراحتی و خشم افراد را برمیانگیزاند ولی هزل غالباً مایه خنده است» (سبک‌شناسی نظریه‌ها، رویکردها و روشها، فتوحی: ص ۳۷۷). عشقی در اشعار طنز خود، سعی میکند اشتباهات و کج‌رویها یا جنبه‌های نامطلوب و ناپسند دوره مشروطه، همچنین فسادهای اجتماعی سیاسی یا حتی تفکرات بسیاری از افراد زمان خود را به چالش بکشد. برای طنز عشقی میتوان ویژگیهای متمایزی را قائل شد که تفکر برانگیز هستند. آنچه که در ظاهر طنز عشقی، دیده میشود، کمتر به خنده می‌انجامد، به عبارتی تفاوت قابل توجهی در باطن طنز عشقی وجود دارد که تعالی اندیشه را دنبال میکند.

روش تحقیق

در بررسی آثار طنز، شیوه‌های مختلفی مورد عمل قرار میگیرد. در انجام این پژوهش، با مطالعه اشعار عشقی، بسامد اشعار صرفاً طنز او ارائه میشود و به دنبال آن به تفکیک مضامین آنها پرداخته میشود که برخی از این تقسیم‌بندی توسط مجد و صمصامی نیز به کار برده شده است (محمدحسین فدائی طنزپرداز چیره‌دست اما گمنام معاصر و...، مجد و صمصامی: ص ۴۰۹-۳۸۹). و متعاقب آن به برخی مشخصه‌های طنز، معرفی شده در کتاب: «سبک‌شناسی، نظریه‌ها، رویکردها و روشها» از محمود فتوحی، پرداخته میشود و نهایتاً ویژگیها و ساختار سبک طنز عشقی معرفی میگردد.

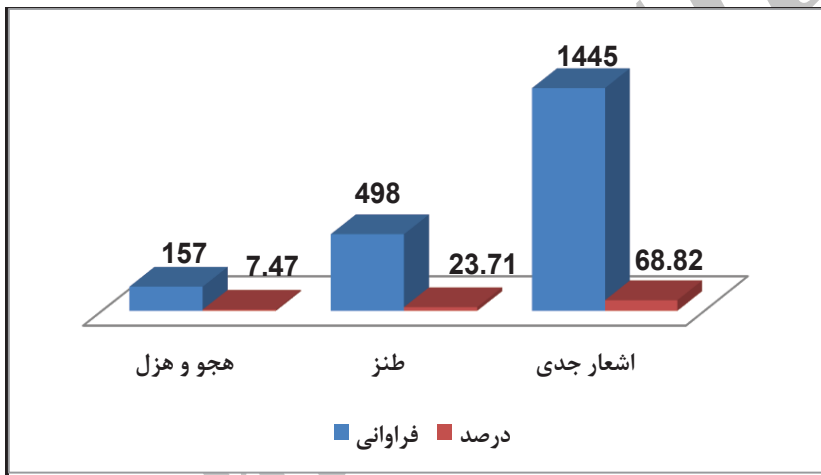
شناخت خمیرمایه طنز کمک میکند که مشخصه‌های سبک‌شناسی، بهتر شناخته شوند؛ لذا در روند انجام کار به مضامین و اجزای سازنده آن توجه شده و با ذکر نمونه‌هایی به شرح هر یک از آنها پرداخته شده است. در نهایت از نتایج بدست آمده و با بهره‌گیری از فراوانیهای مورد بررسی، برجستگیهای سبکی شعر طنز شاعر معرفی شده است. لذا برای دستیابی به هدف اصلی خود، اشعاری که از نظر محتوایی زمینه طنز داشتند، یعنی دارای گفتمان طنزی نهفته و یا آشکار و در عین حال برجسته هستند، انتخاب و ابیات آنها مطابق شاخصهای سبک‌شناسی معرفی شده، مورد ارزیابی قرار گرفته‌اند.

اشعار طنز عشقی

عناوین شعرهای طنز از کلیات عشقی که مورد بررسی قرار گرفتند، عبارتند از: جمهوری سوار، مظهر جمهوری، نو حه جمهوری، جمهوری نامه، باور مکن، ابله‌ترین حیوانات، گلپهای پژمرده، در

نکوهش نوع بشر، ملت فروش، چشم‌ت کور، تمثال عشقی، کابینه نیم‌بند، خر تو خر، مهدی کچل، کلانمدیها، عشق و جنون، گل مولا، خرنامه، تأثیر سخن، شعر و شکر. مجموعه این اشعار ۴۹۸ بیت میباشند. قالبهای اشعار طنز مورد بررسی به ترتیب اهمیت عبارتند از: مثنوی، مسمط ترجیعی، قطعه، غزل، ترجیع‌بند و قصیده. بررسی آماری نشان میدهد که عشقی در اشعار طنز مورد بررسی، به قالبهای مثنوی و مسمط ترجیعی، بیشتر توجه داشته است.

اشعار طنز عشقی، در زمینه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی، اخلاقی، انتقادی و یا تلفیقی از برخی از آنها سروده شده است. از مطالعه انجام شده، مجموعه اشعار عشقی ۲۱۰۰ بیت میباشد که نمودار شکل ۱، بسامد و درصد آنها را نشان میدهد.



شکل ۱- بسامد و درصد ابیات اشعار «میرزاده عشقی»

انواع طنز در اشعار عشقی

عشقی در تعیین اهداف مختلفی که در نظر داشته، برای بازگو کردن نارسائیهای جامعه همانند دیگر شاعران طنزپرداز از شیوه‌های مختلف طنز بهره گرفته است. این شیوه‌ها در ارائه طنز، توانائیهای شاعر را نشان میدهد؛ هر چند که در بعضی مواقع برخی تقسیم‌بندی‌ها در هم آمیخته می‌شوند. جایگاهی که عشقی از آن به طنز مینگرد، تطابق کافی با تقسیم‌بندی ارائه شده توسط محققین دیگر دارد؛ از جمله انواع طنز بکار برده شده توسط مجد و صمصامی را میتوان نام برد که عبارتند از: طنز اجتماعی، طنز اخلاقی، طنز تعلیمی، طنز تفسیری و طنز تمثیلی.

۱. طنز اجتماعی

در اینگونه اشعار مسئله یا مسائلی که فرد، خانواده، بخش عمده‌ای از مردم و یا عموم با آن سر و کار دارند و در زندگی روزمره به نوعی گریبانگیر آنان است، مطرح میگردد؛ عشقی در شعر «مهدی کچل»، از اوضاع نابسامان، زبان شکوه می‌گشاید و با ابراز نگرانی از به میدان آمدن فرومایگان و

مفت‌خوری آنها، از پریشانی ملک و پریشانی خاطر مردم، سخن به میان آورده و آن را با لحنی انتقادی بیان میکند. قسمتی از آن چنین است:

لوطی حسین صاحب‌عنوان شود بند قبا قرمزی و خان شود
دور دگر، دوره‌دونان شود یکسره این ملک پریشان شود
خاطر ما، جمله پریشان شود تا که ورا سفره، پر از نان شود

مهدی کچل سـور مهیا شده
چرچر ما جور و مهیا شده

(کلیات عشقی: ص ۴۴۸)

عشقی با ظرافت خاصی، با بهره‌گیری از موضوعات اجتماعی در قالب طنز، در شعر دیگری به نام «نوحهٔ جمهوری» که آن را در آخرین شمارهٔ روزنامهٔ قرن بیستم به چاپ می‌رساند، از زبان شخصیت‌هایی به نام: «جناب جمبول» که منظورش نمایندهٔ دولت انگلیس است، «فکلی»، «فعله»، «لاشخور» و «جغد»، از اوضاع اجتماعی و فنا شدن جمهوری قلابی سخن می‌گوید.

۲. طنز اخلاقی

اینگونه اشعار از نقطه نظر اخلاق که جان‌مایهٔ ادبیات فارسی است، بهره گرفته و حداقل یک نکتهٔ اخلاقی و معرفتی در آن مطرح شده است. هدف اینگونه طنز، اصلاح رفتارهای فردی و اجتماعی است. نمونه‌ای از طنز اخلاقی شاعر را در شعری به نام «گل مولا» میتوان دید. در این شعر با زمینهٔ طنز، نکات اخلاقی ظریفی از جمله اینکه: «روزی هر کس دست خداست»، «اگر کسی به دیگران کمکی کرده باشد، باید انتظار کمک داشته باشد» و «هرکس باید از قبل نیروی بازوی خود، نان بخواهد»، را به مخاطب گوشزد میکند. مطلع آن چنین است:

ای که هر خواستهٔ دل، ز فلک میخواهی آنقدر راضیی از خود که کتک میخواهی
(کلیات عشقی: ص ۳۷۸)

عشقی در شعر زیبایی دیگری، تحت عنوان «عشق و جنون» از نصایح یاران ابراز تشکر میکند و می‌گوید گر چه نصیحت، دیگر در او اثر ندارد، امید آن دارد که دوستان اگر میتوانند راهی را به او نشان دهند که او را به ساحل (کنایه از محل امنی است)، برساند. مطلع آن چنین است:

یاران عبت نصیحت بی حاصلم کنید دیوانه‌ام من عقل ندارم و لم کنید
(همان: ص ۳۷۸)

۳. طنز تعلیمی

عشقی با سرودن شعر طنز «باور مکن»، به القاء بینش و درک اوضاع اجتماعی در مخاطب پرداخته و با استفاده از کنایه و طعن، سعی دارد، او را به آنچه که در محیط متلاطم و پر آشوب اطرافش میگذرد، به باور بکشاند.

جان پسر، گوش به هر خر مکن بشنو و باور مکن
تجربه را باز مکرر مکن بشنو و باور مکن
مملکت ما شده امن و امان از همدان تا طیس و سیستان
مشهد و تبریز و ری و اصفهان ششتر و کرمانشه و مازندران

امن بود، شکوه دگر، سر مکن
بشنو و باور مکن

(کلیات عشقی: ص ۲۹۴)

از دیگر اشعار شاعر که در زمره طنز تعلیمی قرار می‌گیرد، شعر «کلانمدیها» است. این شعر که با بیان ساده سروده شده، مردم عادی و به اصطلاح عشقی کسانی که کلاه‌نمدی بر سر دارند را مورد خطاب قرار میدهد و به روشن نمودن ذهن و افکار آنها پرداخته و از آنها میخواهد که دست درآرند. وی در روزنامه قرن بیستم با بیانی اعتراض‌آمیز از افرادی که فرصت دارند، استدعا میکند که این ابیات را در قهوه‌خانه‌ها و گذرگاههای عمومی بخوانند تا مخاطبین مستحضر شوند و بدین شرح وارد موضوع میشود:

شهر فرنگ است ای کلانمدیها موقع جنگ است ای کلانمدیها
خشم که از رو نمیرود، تو ببین روش آهن و سنگ است ای کلانمدیها
بنده قلم دستم است و دست شماها بیل و کلنگ است، ای کلانمدیها

زور بیارید، ای کلانمدیها
دست درآرید، ای کلانمدیها

(همان: ص ۳۱۷)

۴. طنز تفسیری

در اینگونه طنز، شاعر از تمثیلات انسانی و بعضاً حیوانی استفاده میکند و اندیشه‌های خود را به کمک داستانهای تمثیلی به مخاطب القا میکند. «نتیجه اخلاقی داستان تمثیلی معمولاً در ضرب‌المثل کوتاه و قابل تفسیر مختصر میشود. شنونده به محض شنیدن داستان تمثیلی به دلیل شهرت فراوانی که دارد به نتیجه اخلاقی آن که معمولاً ضرب‌المثل یا سخن کوتاه مشهوری است پی میبرد. در این نوع طنز، شاعر بدون استفاده از صنایع ادبی مانند اغراق، ابهام، کنایه و قیاس به شرح موضوع میپردازد» (محمدحسین فدائی طنزپرداز چیره‌دست اما گمنام معاصر و...، مجد و مصماصی: ص ۴۰۰).

عشقی در شعر «بله‌ترین حیوانات»، بر اساس سخنی از «بوالو» شاعر مغرب زمین و با پیوند نظر خود، در چهار بیت، انسان را اینگونه تفسیر میکند:

«بوالو»، شاعر گویای مغرب حکیم بخرد دانای مغرب
در این نکته چه خوش گفت این سخن را که بس خوش آمد از این نکته من را:

که اندر چارپایان چرائی و یا ماهی و مرغان هوائی
ز هر تیره گروه نسل حیوان ندیدم ابلهی مانند انسان
(کلیات عشقی: ص ۳۸۵)

شعر «تأثیر سخن»، با طنزی ظریف، اشاره به ضرب‌المثل «آنچه کنی به خود کنی گر همه نیک و بد کنی» دارد (امثال و حکم، ج ۳، ص ۱۲۰۶). آغاز آن چنین است:

شنیدم نویسنده‌ای در قدیم نویسنده پاک رای و حکیم
گزیده یکی چامه، انشا نمود شه عصر از آن نامه، رسوا نمود
گرفت آن هجانامه، آنسان رواج که شه را درون شد، بسر بیم تاج
بفرمود آن نامه‌ها سوختند لب آن نویسنده را دوختند
(کلیات عشقی: ص ۳۸۶)

۵. طنز تمثیلی

اکثر شاعران دوره مشروطه از تمثیل در اشعار جدی و طنز خود استفاده نموده‌اند. از آنجا که مخاطب، از یک موضوع تمثیلی که قبلاً خوانده و یا شنیده، یک ذهنیت و یک پیش‌آگاهی پیدا میکند، این نوع طنز برایش قابل درک‌تر بوده و به همین سبب، مخاطب علاقمندی بیشتری برای دریافت بهتر و تکمیل آنچه از قبل میدانسته، از خود نشان میدهد. «پیروان این طرز به سبب تأویل‌گرایی، به لفظ توجه خاصی ندارند و اساساً هدف غایی آنان در بیان مطالب، دریافت و ارائه معانی باطنی است، بدین جهت تمثیل را بعنوان راهی برای درک معنای والاتر برمیزینند» (محمدحسین فدائی طنزپرداز چیره‌دست اما گمنام معاصر و...، مجد و صمصامی: ص ۴۰۱).

عشقی در شعر «گل‌های پژمرده»، حکایت خری را بیان میکند که هنگام عبور از یک باغ، از زخم خار در امان نمی‌ماند و در ادامه، توجه او صرفاً به شناخت خارها جلب می‌شود و توجهی به گل‌های باغ ندارد. شاعر ضمن بیان این حکایت شرح حال افرادی که خیانت‌پیشه هستند را همانند خری که به گل توجه ندارد، میداند و میگوید آنان نیز به فضل و هنر توجه ندارند:

خری از گلستان باغی گذشت بسی گل به ره دید و وقتی نه هشت
نسنجید کآن جلوه گل، ز چیست نغمه‌مید فریاد بلبل ز کیست...
چو بر خر ز گل هیچ ز حمت نبود نمی‌دید گل، نیز دارد وجود!
سرودم از این ره، من این داستان که بینم در این کشور باستان
رجال خیانتگر آنسان خرنند که بر اهل فضل و هنر ننگ‌رند
ز آزار هر کس، حذر میکنند بر او با تواضع نظر میکنند...
ولی همچو گل هر که خوش‌رنگ و بوست به صورت نکوی و به سیرت نکوست
حکیم و سخندان و عالم بود گناش همین بس که سالم بود

به او می‌ندارند، هرگز نظر بدین جرم، کورا نباشد ضرراً
(کلیات عشقی: ص ۳۹۳)

شاعر در شعر «جمهوری سوار»، که یک مثنوی بلند است، حکایتی را بیان میکند که تلویحاً به وقایع سیاسی زمان شاعر اشاره دارد و آن از این قرار است که کدخدایی یک خم پر از شیر را محافظت نموده که دزدی به نام «یاسی» به آن میزند و از آن میخورد؛ وی با پیدا کردن رد پای دزد آن را مییابد و دزد نمیتواند انکار کند و قول میدهد که دیگر چنین نکند:

تا که روزی، کدخدای دهکده دید از مقدار شیر، کم شده
لاجرم اطراف خم را، کرد سیر دید پای خمره، جای پای غیر
پس همه جا، جای پاها را بدید تا به درب خانه «یاسی» رسید...
عابدین گفتش: نظر کن بر زمین جای‌های پای‌های خود ببین
دید یاسی، موقع انکار نیست چاره‌ای جز عرض استغفار نیست
گفت: من کردم ولی، کاکا بیخش بنده را بر حضرت مولا ببخش
(همان: ص ۲۷۸)

ولی «یاسی»، دوباره هوس خوردن شیر می‌کند و برای آنکه رد او مشخص نشود این بار سوار بر خری به سراغ خمره می‌رود و کدخدا هنگامیکه متوجه می‌شود، از وجود رد پای دزد و جای پنجه دست دزد، متحیر میگردد که چطور چنین اتفاقی ممکن است. در پایان، عشقی، مخاطب را متوجه این امر می‌سازد که منظور از «دزد»، انگلیس و منظور از «شیره»، سرزمین ایران است.

۶. طنز سیاسی

این نوع طنز به دو گونه تقسیم می‌شود، یکی آنکه: مطلب کاملاً ارتباط با سیاست و یا سیاسیون دارد و بیشتر جنبه خبر سانی است؛ در اینگونه موارد، نظر شاعر پنهان است. و دیگری آنکه یک موضوع سیاسی مطرح می‌شود و انتقاد شاعر نیز به وضوح در آن نمایان است؛ عموماً طنز سیاسی، طنز انتقادی نیز می‌باشد.

بسیاری از اشعار عشقی، طنز سیاسی است که میتوان از اشعار: «جمهوری‌نامه»، «خرنامه»، «کابینه نیم‌بند» و ... نام برد.
از نمونه طنز سیاسی آن:

به تعلیم قشون اندر ولایات مهیا تلگرافات و شکایات
ز ظلم شاه و دربارش روایات ز جمهوری اشارات و کنایات
مسلسل میرسد با سیم و چا پار ز بلدان و ز اقطار و ز انصار

دریغ از راه دور و رنج بسیار

(کلیات عشقی: ص ۲۹۰)

ویژگی‌های سبکی طنز عشقی

علاوه بر انواع طنز معرفی شده فوق، از دیدگاه سبک‌شناسی طنز، بر اساس الگوی معرفی شده در کتاب «سبک‌شناسی، نظریه‌ها، رویکردها و روشها»، طنز به دو شاخه اصلی «ماهیت طنز» و «تاهم‌هنگی و ناسازگاری» تقسیم‌بندی شده است که «ماهیت طنز»، به بررسی سه وجه متمایز: «شکل بیان»، «درونمایه» و «نقش سخن» می‌پردازد.

شکل بیان، همان شکل سخن گفتن است و دارای شگردهایی است که در لایه‌های مختلف مورد تحلیل قرار گرفته است. گروهی شوخیهای زبانی را بر پایه شگردهای صوری تعریف میکنند، شگردهایی مانند: «درآمیختن دو امر ناساز»، «مجاز»، «استعاره»، «بزرگنمایی و کوچکنمایی» و «کنایه». که تو ضیحات زیر مختصات هر کدام از لایه‌ها را مشخص می‌سازد که با ارائه نمونه‌هایی از اشعار طنز میرزاده عشقی، به تبیین موضوع در اشعار وی پرداخته میشود.

۱. درآمیختن دو امر ناسازگار

این شکل از بیان، یکی از مهمترین عوامل سازنده گفتمان طنز است و آن هنگامی خواهد بود که دو امری که با یکدیگر سازگاری ندارند، در یک گفتمان قرار گیرند. وجود این دو امر ناسازگار و «کنار هم قرار گرفتن دو چیز نامناسب در کنار هم» (زبان، صور و اسباب ایجاد طنز، رادفر: ۱۰۷) در موقعیت خاص، ایجاد زمینه طنز میکند. این دو امر میتوانند یکی «جد» و دیگری «شوخی» نیز باشند. عشقی در شعر طنز «جمهوری سوار»، با کنار هم قرار دادن عملی که «یاسی» کرده و عملی که خراج داده است، زمینه دو امر ناسازگار را فراهم آورده و در پردازش داستان طنز خود از آن استفاده کرده است. چنانچه میگوید:

پیش خود می‌گفت این و می‌گریست ای خدا این کار، آخر کار کیست؟
گر که خر کرده‌ست خر را نیست دست یاسی ار کرده‌ست، یاسی بی سُم است
(کلیات عشقی: ص ۲۷۹)

۲. مجاز و استعاره

در این نوع گفتمان، کلماتی در معنای غیر حقیقی به کار برده می‌شوند؛ به عبارت دیگر ظاهر آنها، با معنای مورد نظر آنها متفاوت است و مهمترین آنها مجاز و استعاره هستند. بدین گونه که در گفتمان طنز، واقعیت به طرز دیگری بیان میشود و به نوعی، واقعیت‌گریزی رخ میدهد. «از جمله مختصه دیگری که میتوان برای طنز در نظر گرفت، واقعیت‌گریزی است. ما در زبان طنز، واقعیت جهان خارج را عیناً منعکس نمیکنیم» (زبان، صور و اسباب ایجاد طنز، رادفر: ۱۱۳). از این نوع گفتمان، عشقی در اشعار طنز خود به صورتهای مختلف استفاده کرده است.

۲.۱. مجاز

عشقی با توجه به زمان، موقعیت و فضای ادبی دوره مشروطه، از واژه‌هایی به صورت مجاز استفاده کرده است که مایه اصلی آنها به مفاهیم تازه مطرح شده در آن دوره، ارتباط داشته و این مسئله

باعث آن می‌شود که مخاطب به دنبال کشف منظور واقعی شاعر بیفتد. «در بیان مجازی، شوقی هست برای جستجو و طلب مفهوم تازه‌تر و این یک عامل روانی است که سخن را تأثیر و نفوذ بیشتری میبخشد» (همان: ص ۱۰۶).

عشقی در شعر «جمهوری سوار»، بیتی آورده است به این مضمون:

هر که اندر خانه دارد مایه‌ای هم‌چو یاسی دارد او همسایه‌ای
(کلیات عشقی: ص ۲۷۹)

در بیت فوق، ظاهراً صحبت از «خانه»، «مایه» و «یاسی» به میان آورده که در اصل به صورت مجاز به کار برده شده‌اند، چرا که منظور او از «خانه»، ک‌شور «ایران» و منظور از «یاسی»، ک‌شور «انگلیس» است.

در جای دیگری می‌گوید:

ناگهان، ایرانیان هوشیار هم ز خرد بین و هم از خرسوار
های و هو کردند کاین جمهوری است در قواره از چه او یغفوری است
(همان: ص ۲۸۰)

که معنای ظاهری آنچه به کار برده، با معنا و منظور اصلی شاعر، متفاوت است. به عبارت واضحتر از واژه «خر سوار»، به صورت مجاز استفاده کرده و اشاره او به سیاستمداران موردنظر خود میباشد.

۲.۲. استعاره

گونه دیگری از مجاز، استعاره است «دلالتهای استعاره دلالت عقلی است و از همین روی در حوزه مجاز قرار می‌گیرد و مهمترین شاخه مجاز به شمار میرود» (صور خیال در شعر فارسی، شفیع کدکنی: ص ۱۰۹). مجاز هنگامی که با علاقه مشابهت بکار برده شود، استعاره نامیده میشود. استعاره یکی از زیباترین صور خیال است که در آثار ادبی طنز از آن استفاده شده است و عشقی نیز از این زیبایی کلام بهره برده است.

در بیت زیر، استفاده از «عدل مظفر» استعاره از «فرمان مشروطیت» است:

تکیه تو بر عدل مظفر مکن بشنو و باور مکن
(کلیات عشقی: ص ۲۹۶)

و در بیتی دیگر واژه‌های «پای»، «دست» و «دزد» را به صورت استعاره بکار برده است:

پای جمهوری و دست انگلیس دزد آمد، دزد آمد، ای پلیس
(همان: ص ۲۸۰)

در بیت زیر از «حضرت اشرف» به صورت استعاره استفاده شده است:

سلام عید را بایست این بار بگیرد حضرت اشرف به دربار
(همان: ص ۲۹۰)

۳. کوچکنمایی و بزرگنمایی

بزرگنمایی و کوچکنمایی از جمله شاخصه‌هایی هستند که در آفرینش طنز از آنها استفاده میشود. به بیان غفاری‌جاهد: «در کوچکنمایی، نویسنده شخصی را که میخواهد مورد انتقاد قرار دهد، از تمام ظواهر فریبده عاری میسازد و او را از هر لحاظ کوچک میکند؛ این کار میتواند از لحاظ جسمی یا معنوی باشد. بزرگنمایی در مقابل کوچک کردن است؛ در این روش نیز طنزنویس سعی میکند با اغراق و غلو مطلبی یا رفتاری شخصی را بزرگتر از آنچه هست نشان دهد.» (جلوه‌های طنزپردازی در ادبیات مشروطه، غفاری‌جاهد: ص ۴۷).

با توضیحات فوق میتوان نتیجه گرفت که: بزرگنمایی، نوعی بیان اغراق‌آمیز است و در مقابل آن کوچکنمایی، گونه‌ای دیگر از اغراق است که به تحقیر منجر میشود، این دو اهمیت خاصی در گفتمان طنز دارند؛ با تأکید بر این نکته که معمولاً کوچکنمایی افراد، موجب دلخوری میشود، اما با استفاده از شیوه طنز، مطلب طوری بیان میشود که شفافیت سخن، پوشیده می‌ماند. عشقی در شعر «در نکوهش نوع بشر»، با کوچکنمایی، افراد موردنظر خود را خوار و کوچک جلوه میدهد و این کوچک نمودن را در راستای سرزنش کردن نوع بشر به مخاطب خود که آن هم بشر است منتقل مینماید و همین امر جنبه‌های طنز شعر او را تقویت میکند.

سگ از اجنبی دید، عوعو کند
مرا نیز این قوم دون هو کند
همین قصه اکنون بود حال من
که عوعو نمایند، دنبال من
کسانی که اکنون، مرا هو کنند
سگند اجنبی دیده، عوعو کنند
(کلیات عشقی: ص ۳۹۶)

شاعر در ادامه طنز خود در کوچکنمایی، افراط بیش از حد کرده، به طوری که بیانش شکل ناسزا به خود میگیرد؛ که در این شیوه بیان، از ویژگی اغراق در کوچکنمایی بهره برده است.

۴. کنایه

کنایه و کاربرد هنرمندانه آن در گفتمان طنز، بر زیبایی گفتمان میافزاید. «کنایه یکی از صورتهای بیان پوشیده و اسلوب هنری گفتار است. بسیاری از معانی را که اگر با منطقی عادی گفتار ادا کنیم لذت‌بخش نیست و گاه مستهجن و زشت مینماید، از رهگذر کنایه میتوان به اسلوبی دلکش و مؤثر بیان کرد. جای بسیاری از تعبیرات و کلمات زشت و حرام را میتوان از راه کنایه به کلمات و تعبیراتی داد که خواننده از شنیدن آنها هیچگونه امتناعی نداشته باشد و شاید سهم عمده در استعمال کنایات در همین حوزه مفاهیمی باشد که بیان مستقیم عادی آنها مایه تنفر خاطر است» (صورخیال در شعر فارسی، شفیعی کدکنی: ص ۱۴۰).

کنایه در خلق گفتمان طنز کاربرد ویژه‌ای دارد و شاعر با استفاده از این صنعت، بیان طنزگونه زیبایی را ارائه میدهد؛ ذکر این نکته ضروری است که استفاده از صنعت کنایه باید به گونه‌ای هنرمندانه باشد که بیان، جنبه توهین به خود نگیرد.

عشقی در شعر «جمهوری سوار» پس از بیان داستان، نتیجه‌گیری میکند که کشور استعمارگر انگلیس به خیالش که کشور ما خوردنی است و آن را به شیره تشبیه کرده است و «شیره مالیدن بر سر» را کنایه از نیرنگ و فریب بکار برده شده، دانسته است.

ملک ما را، خوردنی فهمیده است بر سر ما شیره‌ها، مالیده است
او گمان دارد که ایران بردنی است همچو شیره، سرزمینی خوردنی است
(کلیات عشقی: ص ۲۷۹)

شاعر در ادامه با توجه به اوضاع سیاسی وقت، با استفاده از صنعت کنایه، ابیاتی را آورده است که نمونه‌های آن به شرح زیر است:

با «وئوق‌الوله» بست، اول قرار دید از آن حاصلی نامد به کار
پول او خوردند، بر زیرش زدند پشت پا بر فکر و تدبیرش زدند
(همان: ص ۲۷۹)

که در آن «بر زیرش زدند»، کنایه از «نپذیرفتن و گردن نگرستن» است و «پشت پا بر فکر و تدبیرش زدند»، کنایه از «برخلاف میلش عمل کردن» است.

کودتا هم کام او شیرین نکرد این حنا هم دست او، رنگین نکرد
(همان: ص ۲۷۹)

که کنایه موجود در آن، یعنی «حنا هم دست او رنگین نکرد» در واقع «عدم شادکامی و به مقصود نرسیدن» است.

در شعر «مظهر جمهوری»، کنایه‌هایی را به کار برده که در بیت زیر، نمونه آن مشاهده میشود:
انگشت نمای خلق، در بز دلیم مو مو سرگنده نیم چون شیر سر پشکلیم مو مو
(همان: ص ۲۸۲)

در این بیت کاربرد عبارتهای «انگشت‌نمای خلق» کنایه از «شهره خاص و عام شدن» و «سرپشکلی»، کنایه از «بی ارزش بودن» هستند.

بیرق قرمز جگرم کرد خون رفت جگر گوشه ز دستم برون
(همان: ص ۲۸۳)

در بیت فوق «بیرق قرمز»، کنایه از «پرچم اجنبی» است و «جگر گوشه»، کنایه از «وطن» است.

۵. «بیان زشتیها»، «مفاسد اجتماعی» و «عیوب افراد»

گاه طنز را بر اساس نوع درونمایه آن تعریف میکنند و معمولاً جوهره طنز را بیان زشتیها، مفاسد اجتماعی، عیوب افراد، نمایش رسمها و عادات نادرست و ناروا می‌شمارند. طنزپرداز با برداشت از بلاهت و نقصی که در افراد و یا در اجتماع وجود دارد؛ با مطرح کردن برخی کاستیها، قصد هشدار دادن و اصلاح امور را دارد. انتقاد از مفاسد و به سخره گرفتن پستیها و زشتیهای فردی و اجتماعی در این مقوله قرار میگیرند. «طنز و طنزآوری، یکی از شیوه‌های خاص برای بیان مسائل انتقادی و

نارسائیه‌های جامعه، همراه با خنده و شوخی است. طنز آیینۀ تمام‌نمای حقیقت از سویی و بیانگر نابسامانیها، زشتیها، پلشتیها و معایب فرد و جامعه از سوی دیگر است» (هنر طنز و قلمرو آن، رادفر: ص ۱۰۸). بنابراین در آفرینش طنز، در برخی موارد شعر طنز با «بیان زشتیها»، «مفاسد اجتماعی» و «عیوب افراد» به گونه‌ای این ناهنجاریها را برملا می‌سازد.

عشقی در ابیات زیر، در شعر «نوحهٔ جمهوری» با استفاده از واژه‌های «لخت عور»، «لش‌کشی» و «مست شراب غرور»، از بار منفی و ناپسند آنها در پردازش طنز بهره گرفته است:

یک سنگ بیچاره، عقب مانده بود	دیر ترک نوحهٔ خود خوانده بود
زوزه کنان در پی لش رانده بود	بوی لشش معده گدازنده بود
دید یکی زارعک لخت عور	لش کشی لاشخوران را ز دور
گفت که ای مست شراب غرور	حسرت جمهور ببر سوی گور

(کلیات عشقی: ص ۲۸۴)

در ابیات زیر بهره‌گیری از «تبه‌کار»، «هیاهوچی» و «مردم آزار»، بکارگیری زشتیها در بیان طنز است:

رجال خیانتگر آنسان خرنند	که بر اهل فضل و هنر ننگرند
ز آزار هر کس، حذر میکنند	بر او با تواضع نظر میکنند
وزین‌روی جمعی تبه‌کارها	هیاهوچیان مردم آزارها
در این دوره هر یک مقرب شدند	همه صاحب کار و منصب شدند

(همان: ص ۳۹۳)

عشقی، در اشعار طنز خود، مفاسد اجتماعی را دستمایه قرار میدهد و به خلق اشعار طنز می‌پردازد و با این روش برای مردم زمان خود واقعیتهای اجتماعی را برملا می‌سازد.

در ابیات زیر، عشقی «خرابی و وضع اداری» و «کالاسکه سواری» را به عنوان مواردی از مفاسد اجتماعی مورد توجه قرار داده و اشاره میکند:

ای رفقا! این زمامدار خرابست	وضع اداری در این دیار خرابست
گر چه به پندار میرزاده عشقی:	هر که به کالاسکه شد سوار خرابست...

فکر چه کارید ای کلانمدیها
دست درآرید ای کلا نمدیها

(همان: ص ۳۱۸)

استفاده از دادن پول به معنای «رشوه»، از مفاسد اجتماعی است:

تازه شنیدم که داده او به یکی پول	تا که شما را، به این زند گول
----------------------------------	------------------------------

(همان: ص ۳۱۸)

در بیت زیر، استفاده از واژهٔ «زیر جلی» به معنای «در خفا»، در زمرهٔ «عیوب فردی» است که به «سید ضیاء» منتسب کرده است:

هم‌چنین زیر جُملی «سید ضیاء» زد بفکر پست آنها پشت پا
(همان: ص ۲۷۹)

۶. تمسخر

«تمسخر» به معنی مسخره گرفتن و ریشخند کردن یک واقعیت و یا یک امری که در ظاهر حالت شوخی دارد ولی شنونده متوجه اصل حقیقت آن می‌شود و معمولاً برای مسخره گرفتن فرد یا افراد به کار گرفته می‌شود. «تمسخر: ریشخند کردن و مسخره کردن است. تمسخر، مصدری است که مردم از مسخره ساخته‌اند» (تاریخ طنز و شوخ‌طبعی در ایران و جهان اسلامی تا روزگار عبید زاکانی، حلبی: ص ۱۱۵).

عشقی در طنزپردازی خود از گفتمان تمسخر نیز بهره گرفته است، به عنوان نمونه، مسخره گرفتن انسان در ابیات زیر:

که اندر چارپایان چرایی و یا ماهی و مرغان هوایی
ز هر تیره گروه نسل حیوان ندیدم ابلهی مانند انسان
(کلیات عشقی: ص ۳۸۵)

براین دم بریده، دنی جانور چه فحشی دهم به ز نوع بشر؟
همه فحشها بهر آدم کم است که فحش همه فحشها آدم است
(همان: ص ۳۹۶)

استفاده از عبارت «پریدن بز» به منظور ایجاد زمینه تمسخر:

کابینه کند سقوط و از نو چون بز بپری تو بر بلندی
(همان: ص ۴۰۷)

۷. طعنه

کاربرد تعریض و کنایه را به گونه‌ای که در گفتمان، نوعی عیب‌جویی، ملامت و سرزنش کردن در آن مستتر باشد، طعنه مینامند. «طعن: سرزنش کردن؛ عیب‌جویی کردن به تعریض و کنایه» (تاریخ طنز و شوخ‌طبعی در ایران و جهان اسلامی تا روزگار عبید زاکانی، حلبی: ص ۱۴۲). ملامت کردن و نوع خاصی از کنایه است. «طعنه، کنایه بدون رمز و پالایش است و اصولاً اتفاقی لفظی... خام‌تر از کنایه است و سلاحی کندتر» (طنز، پلارد، ترجمه سعیدپور: ص ۹۰). عشقی از این لایه کلامی نیز در اشعار طنز خود استفاده نموده است.

عشقی در شعر «باور مکن» از طعنه بهره گرفته و با بیانی هشدار دهنده به امن بودن کشور اشاره دارد که در اصل ناامنی مورد نظر اوست و به طعنه چنین می‌گوید:

مملکت ما شده امن و امان از همدان تا طمس و سیستان
مشهد و تبریز و ری و اصفهان شش‌تر و کرمانشاه و مازندران

امن بود، شکوه دگر، سر مکن بشنو و باور مکن
(کلیات عشقی: ص ۲۹۵)

۸. افشاگری

افشاگری از جنبه‌های مهم طنز انتقادی است. کاربرد افشاگری یا آگاهی دادن، در بیان گفتمان طنز، به نوعی بیان واقعیتها و هشدار است که یکی از رسالت‌های مهم گفتمان طنز به شمار می‌رود. «طنز بیش از هر چیز انسان را به ما می‌شناساند و هم آنان را که مورد طنز قرار گرفته‌اند، و هدف نهایی طنز هم جز این چیزی نیست. طنز، توده مردم را از خواب خرگوشی بیدار میکند و به معرفی طرف مبارزه که مورد اصابت نیزه خشم طنزنویس قرار گرفته است، می‌پردازد» (زبان، صور و اسباب ایجاد طنز، رادفر: ص ۱۰۸). به طور کلی میتوان به این امر اشاره کرد که، افشاگری یکی از مهمترین ارکان نهضت ادبی دوره مشروطه به‌شمار می‌رود. به بیان دیگر، این نوع از گفتمان به‌خصوص در دوره مشروطه از رونق خاصی برخوردار بوده است و بسیاری از شاعران از جمله عشقی، از آن استفاده کرده‌اند.

یکی از شعرهای شاعر با عنوان «ای گلانمدیها»، شامل ابیاتی است که با افشاگری، مسائل مختلف را با بیان طنز، به مردم هشدار میدهد و می‌گوید:

حق شما را کنند ضایع و پامال گر که نباشد قیام و کوشش ماها
کوشش ماها پی حقوق شماهاست به که به ماها کمک کنیید شماها

از چه کنارید ای کلانمدیها
دست درآرید ای کلانمدیها

(کلیات عشقی: ص ۳۱۷)

همچنین در شعر «باور مکن»، وی با پیامی هشدارگونه می‌گوید:

جان پسر، گوش به هر خر مکن بشنو و باور مکن
تجربه را باز مکرر مکن بشنو و باور مکن
(همان: ص ۲۹۵)

وی در ادامه با طعن، از امن بودن مملکت، خاتمه یافتن اجحاف، عدم دخالت لشکریان در امور، رخت بردستن کهنه پرستی، جدا نبودن دولت و ملت و... سخن می‌گوید و در راستای روشن شدن افکار عامه، بسیاری از مسائل روزگار خویش را افشا می‌کند.

۹. ناسازگاری آوایی

هنگامیکه با جابه‌جایی ساختار آواها، گفتمانی پدید آید که با آنچه که ما به آن عادت کرده‌ایم، تفاوت داشته باشد، ناسازگاری آوایی رخ میدهد. «بازی آوایی در جناس»، از زیرشاخه این ناسازگاری به شمار می‌رود.

در ایجاد گفتمان شوخی و ایجاد شادمانی و نشاط، از جناس استفاده میشود. در جناس، از کلمات یکسان با معانی نامرتبط بهره گرفته میشود. «جناس به‌طور کلی نوعی بازی با کلمات بر اساس شباهت واجی است که حتی در همان شکل جدی و هنری‌اش مایهٔ نشاط است و یکی از شگردهای سبکی مؤثر برای آفرینش طنز در سطح آوایی زبان است» (سبک‌شناسی نظریه‌ها، رویکردها و روشها، فتوحی: ۳۸۲).

در بیت زیر، «خداوند و ده» دو بار و در دو معنای متفاوت آورده شده است. بشد در سرای خداوند ده که چیزی مرا ای خداوند ده (کلیات عشقی: ص ۴۰۱)

۱۰. تکرار

عشقی در اشعار طنز خود، برخی مواقع نیز از تکرار کلمات، بهره گرفته که موجب طنز نهفته میشود. از جمله تکرار «ناسزا» و «فحش» در ابیات زیر:

نجویم یکی ناسزا در کلام کلام است در ذم او ناتمام
بناچار نوع بشر خوانمش همین نام را ناسزا دانمش
کجا ناسزا آدمی را سزاست بر ناسزا آدمی ناسزا است
براین دم بریده، دنی جانور چه فحشی دهم به ز نوع بشر؟
همه فحشها بهر آدم کم است که فحش همه فحشها آدمست!
(کلیات عشقی: ص ۳۹۶)

۱۱. ناسازگاری گفتمانی

عناصر متنوع یک گفتمان با بهره‌گیری از نیروهای فرهنگی و اجتماعی، با ایجاد ناهماهنگی، نوعی درهم‌آمیختگی ایجاد میکند، که از نیرومندترین شگردهای ایجاد گفتمان طنز است. لایه‌های: «درآمیختن دو زبان مختلف»، «درآمیختن گونه‌های اجتماعی»، «درآمیختن گونه‌های تاریخی» و «نقیضه» در زمرهٔ این ناسازگاری به‌شمار می‌روند؛ که عشقی از «نقیضه» و «درآمیختن دو زبان مختلف» در اشعار خود استفاده کرده است.

۱۱،۱. نقیضه

نقیضه یا پارودی، نوعی نوشتن بر اساس تقلید از دیگران است. به عنوان مثال یک متن شناخته شده از نویسنده و یا شاعری را، به بافتی دیگر بازگو کردن ایجاد زمینهٔ طنز میکند.

عشقی با بیان نقیضه از بیت حافظ، بیت طنزی اینگونه میسازد:

شد دائمی ریاست خرها به ملک ما ثبت است بر جریدهٔ عالم دوام خر
(کلیات عشقی: ص ۴۲۵)

۱۱،۲. درآمیختن دو زبان مختلف

برخی اوقات طنزنویس از دو زبان مختلف بهره میگیرد و با ایجاد ناهماهنگی، گفتمان طنزی را بوجود می‌آورد. این امر میتواند در ایجاد یک جمله و یا در سطح یک واژه به وقوع بپیوندد. عشقی از درآمیختن زبان فارسی با زبانهای دیگر استفاده نموده است.

در بیت زیر از عبارت «نم دو دیو»، از زبان فرانسه به معنی «پناه بر خدا»، استفاده کرده است:
ژندره شد این کراوات ظریف «نم دو دیو» زین حرکات عقیف
(کلیات عشقی: ص ۲۸۳)

در ابیات زیر، از زبان ترکی استفاده کرده است:

من مظهر جمه‌هورم- الدررم و بولدرم از صدق و صفا دورم- الدررم و بولدرم
من قلدر پرزورم- الدررم و بولدرم مأمورم و معذورم- الدررم و بولدرم
من قائد جمه‌هورم- الدررم و بولدرم

(همان: ص ۲۸۱)

در ابیات زیر از واژه‌های فرانسوی استفاده شده است:

آنکه دائم، کار یاسی میکند وز طریق «دیپلماسی» میکند
(همان: ص ۲۷۹)
غصه نخور میزنم «آنژکس-یون» زنده شود لیک بحال جنون
(همان: ص ۲۸۳)
از پی زر کس نکند «آنتریک» مقصد احرار بود نام نیک
(همان: ص ۲۹۷)

۱۲. مراعات ادب

رعایت وجهه و مراعات ادب، از مهمترین عوامل مؤثر در گفتمان طنز است. به عبارت دیگر رعایت شأن اجتماعی خود و یا دیگران است. «طنزپرداز، هنگام پرداختن به طنز باید وقار و متانت خود را حفظ کند؛ مسخره بازی درنیاورد؛ احساساتی نشود و با عصبانیت کار نکند. کاملاً خون سرد و آرام باشد» (زبان، صور و اسباب ایجاد طنز، رادفر: ص ۱۰۸). این مهم در اشعار طنز عشقی رعایت شده که البته در برخی ابیات هجو او با عدم رعایت ادب، مواجه میشویم.

در رعایت ادب میتوان به نمونه‌هایی اشاره کرد:

در بیت زیر که از شعر «نکوهش نوع بشر» آورده شده، «انسان» را با «میمون بی‌دم» همتراز دانسته است، و در بیان آن به رعایت ادب توجه داشته:

زمانه ز میمون، دمی کم نمود سپس ناسزا نامش، آدم نمود
(کلیات عشقی: ص ۳۹۵)

در ابیات دیگری، «انسان» را «معذبترین جنس حیوان» دانسته و از «گراز» بدتر میدانند، و به نوعی گراز را به انسان برتری میبخشد.

از این نیکوتر بد که انسان شدم
 معذبترین جنس حیوان شدم
 تو ای مرغ آسوده در لانه‌ای
 خوشا بر تو مرغی و انسان نه‌ای
 گراز، تو بر طالع خود بناز
 که ناگشتی انسان و گشتی گراز
 (همان: ۳۹۵)

همانگونه که مشاهده میشود، شاعر، ویژگیهای نامطلوب را در بیانی آمیخته با ادب آورده است.

۱۳. استفاده از واژه‌های خاص

عشقی همانند دیگر شاعران دوره مشروطه در اشعار طنز خود از واژه‌های خاصی استفاده کرده است که برخی از آنها عبارتند از: وزیر، شاه، وطن، دولت، ملت، جمهوری و دزد. در بین آنها بیشترین بسامد را واژه «جمهوری» به خود اختصاص میدهد، پس از آن واژه «ملت» در مرتبه بعدی قرار میگیرد. شاعر از واژه‌های عامیانه مانند جیر جیر، عف عف، عر عر، مو مو، هی هی، پیش پیش، نیز در اشعار خود به صورت محدود استفاده کرده است.

نتیجه‌گیری

میرزاده عشقی به عنوان یکی از شاعران دوره مشروطه است که فداکاری، جانبازی، آزادی، بیباکی و عشق به وطن از ویژگیهای این شاعر انقلابی است. از آنجا که سرودن اشعار طنز در دوره مشروطه از رونق دیگری برخوردار بوده است، عشقی نیز از این امر مستثنی نبوده و به سرودن اشعار طنز نیز توجه داشته است؛ به طوری که بسیاری از اهداف انقلابی او در اشعار طنزش تجلی یافته است. بر اساس مشاهدات به عمل آمده از مجموع ۴۹۸ بیت اشعار طنز او که کمتر از ۲۴ درصد اشعار او را شامل می‌شود، بیشتر در قالب مثنوی و مسط ترجعی سروده شده‌اند. عشقی در زمینه‌ها و مضامین مختلف اشعار طنز، از جمله: طنز اجتماعی، طنز اخلاقی، طنز تعلیمی، طنز تفسیری، طنز تمثیلی و طنز سیاسی شعر سروده است. در این میان اشعار سیاسی او پررنگتر و اغلب با دیگر مضامین طنز آمیختگی داشته و عموماً در اشعار طنز او ردی از یک مسئله انتقادی را میتوان یافت. به دیگر سخن، میتوان گفت در بسیاری از اشعار طنز او، انتقاد جایگاه ویژه‌ای دارد. از دیگر ویژگیهای شعر طنز عشقی استفاده از شاخصهای ماهیت طنز است که شکل بیان، درونمایه و نقش سخن را در بر میگیرد، بیشترین استفاده را از بکارگیری «کنایه»، «طعنه»، «تمسخر» و «افشاگری» داشته و «مجاز» و «استعاره» را نیز در اشعار طنز او میتوان مشاهده کرد. بیشتر از «کنایه» این نتیجه را شامل میشود که لفافه‌گویی که از عناصر قابل توجه شعر طنز است، یکی از ویژگیهای دیگر شعر طنز «میرزاده عشقی» به شمار میرود.

بررسی فراوانی شاخصهای ناهماهنگی و ناسازگاری در اشعار طنز عشقی نشان میدهد، وی از «در آمیختن دو زبان مختلف» استفاده نموده و از شاخصهای «نقیضه» و «بازی آوایی» استفاده کمتری کرده است، گرچه در اشعار طنز وی «مراعات ادب» مشاهده میشود، با این وجود عدم رعایت این امر در اشعار هزل و هجو او نیز پدیدار است.

اگر بخواهیم در یک جمله اشعار طنز عشقی را معرفی کنیم میتوان گفت: عشقی در اغلب گونه‌های طنز، شعر سروده و استفاده از شاخصهای «کنایه»، «طعنه» و «افشاگری»، از مهمترین ویژگیهای گفتمان طنز وی به شمار میروند.

در نهایت، بیان این مطلب ضروری است که: عشقی، یکی از سیاسی‌ترین شعرای دوره مشروطه به حساب می‌آید که سبک مخصوص به خود را دارد و اشعار طنز او در زمان خود، در بالا بردن سطح آگاهی جامعه دارای رسالتی قابل توجه است؛ افسوس که عمر کوتاه او خدمت به جامعه ادبی را مجال بیشتری نداد.

منابع

۱. «پژوهشی در تئوری و کارکرد طنز مشروطه»، کرمی، محمدحسین، زهرا ریاحی زمین و جواد دهقانیان، پژوهشهای زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه اصفهان، دوره جدید، بهار ۱۳۸۸، شماره ۱، صص ۱-۱۶.
۲. «تأثیر انقلاب مشروطیت بر شعر فارسی»، امین، سیدحسین، مجله حافظ، نیمه اول مرداد ۱۳۸۵، شماره ۳۲، صص ۴۱-۴۶.
۳. «جلوه‌های طنزپردازی در ادبیات مشروطه»، غفاری جاهد، مریم، کتاب ماه ادبیات، مرداد ۱۳۸۷، شماره ۱۶، صص ۴۷-۵۴.
۴. «چندگانگی و چندگونگی مضمون در دیوان سعیدانقشبندی یزدی»، نجاریان، محمدرضا و فاطمه بهاری فر، پژوهشنامه ادبیات تعلیمی، تابستان ۱۳۹۰، شماره دهم، صص ۱۷۵-۲۰۲.
۵. «رسالت طنز در شعر میرزاده عشقی و احمد مطر»، رجبی، فرهاد، مجله زبان و ادبیات عربی (ادبیات و علوم انسانی سابق)، پاییز و زمستان ۱۳۹۱، شماره هفتم، صص ۷۳-۱۰۲.
۶. «زبان، صورت و اسباب ایجاد طنز»، رادفر، ابوالقاسم، تحقیقات تعلیمی و غنایی زبان و ادب فارسی، پاییز ۱۳۸۸، شماره ۱، صص ۱۰۷-۱۲۰.
۷. «طنزگونه‌های ادب فارسی و انواع آن»، حسینی‌کازرونی، سید احمد، سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)، بهار ۱۳۹۰، شماره اول، صص ۹۹-۱۲۰.

۸. «محمدحسین فدائی طنزپرداز چیره دست اما گمنام معاصر و مقایسه اشعار او با طنزپردازان مشهور»، مجد، امید و شیرین صمصامی، سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)، تابستان ۱۳۹۴، شماره دوم، صص ۳۸۹-۴۰۹.
۹. «هنر طنز و قلمرو آن»، رادفر، ابوالقاسم، قند پارسی، سال ۱۳۷۲، شماره ۶، صص ۷۰-۷۶.
۱۰. امثال و حکم، دهخدا، علی‌اکبر، چاپ دوازدهم، تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۳.
۱۱. بیست سال با طنز، صدر، رویا، تهران: هرمس، ۱۳۸۱.
۱۲. تاریخ طنز و شوخ‌طبعی در ایران و جهان اسلامی تا روزگار عبید زاکانی، حلبی، علی‌اصغر، تهران: بهبهانی، ۱۳۷۷.
۱۳. جامعه، فرهنگ و سیاست در اشعار و مقالات سه شاعر انقلابی (ایرج میرزا، فرخی یزدی، میرزاده عشقی)، علی‌بابایی، داود، چاپ اول، تهران: امید فردا، ۱۳۸۴.
۱۴. سبک‌شناسی یا تاریخ تطور نثر فارسی، بهار، محمدتقی، جلد اول، تهران: زوار، ۱۳۸۶.
۱۵. سبک‌شناسی نظریه‌ها، رویکردها و روشها، فتوحی رودمعجنی، محمود، چاپ اول، تهران: سخن، ۱۳۹۰.
۱۶. صورخیال در شعر فارسی، شفیعی‌کدکنی، محمدرضا، چاپ یازدهم، تهران: آگاه، ۱۳۸۶.
۱۷. طنز، پلارد، آرتور، ترجمه سعید سعیدپور، تهران: مرکز، ۱۳۷۸.
۱۸. کلیات مصور میرزاده عشقی، مشیرسلیمی، علی‌اکبر، چاپ هفتم، تهران: چاپخانه سپهر، ۱۳۵۷.